چشم انداز

سید محمد خاتمی اعتراض کرد

خدشه به حرمت دانشگاه

«سید محمد خاتمی» جمع مشاوران خود، در گرامی‌داشت «روز دانشجو» هشدار داد: متأسفانه امروز حرمت دانشگاه رعایت نمی‌شود و به علت غلبه نگاه امنیتی-نظامی، استقلال این نهاد و نقش دانشگاهیان در توسعه همه جانبه کشور خدشه‌دار شده است. این نوع رویکرد و سیاست‌گذاری امنیتی و این نحوه اداره دانشگاه نتیجه‌ای جز ایجاد و گسترش ناامیدی در میان دانشجویان و استادان و طبیعتا افزایش فرار مغزها ندارد. این وضعیت کشور را با مسایل متعدد دیگری روبرو می‌کند.

به گزارش جماران، رئیس جمهور دولت اصلاحات در مقایسه تاریخی میان وضعیت امروز دانشگاه‌ها، حکمرانی جامعه با شرایط بعد از کودتای ۱۳۳۲ گفت: واقعه ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ که با ورود نیروهای نظامی به دانشگاه تهران رخ داد و منجر به شهادت، سه تن از دانشجویان و جراحت و بازداشت جمعی دیگر شد، با واکنش جدی مدیریت دانشگاه و استادان مواجه گردید. شخصیت‌های برجسته‌ای مثل مرحوم دکتر سیاسی، رئیس وقت دانشگاه، حتی در هیئت دولت کودتا با این اقدام به شدت مخالفت کرد و در دفاع از هویت و استقلال دانشگاه کنار دانشگاهیان و دانشجویان قرار گرفت. حال آن که ما امروز چنین رفتاری را از مدیریت دانشگاه‌ها نمی‌بینیم و آن‌ها نه تنها از هویت و استقلال دانشگاه دفاع نمی‌کنند بلکه حتی سعی می‌شود ذیل سیاست‌های امنیتی-نظامی در دانشگاه‌ها عمل کنند.

خاتمی گفت: نتیجه اعمال این سیاست‌ها، ایجاد محدودیت‌هایی چون اخراج و یا ممنوع التدریسی استادان دانشگاه‌ها و تعلیق و یا ممنوع التحصیلی دانشجویان و برخوردهای دیگری مثل بازداشت و محرومیت از حقوق دانشجویی شده است.

سید محمد خاتمی، دانشگاه را وجدان بیدار جامعه ایرانی دانست و افزود: ۱۶ آذر ۳۲، در موقعیت فوق‌العاده حساس تاریخی که داشت سرنوشت ایران تغییر می کرد و ذهنیت و منافع مردم در تقابل با رژیم حاکم شکل می‌گرفت، رخ داد. این اتفاق نشان داد که دانشگاه پیشتاز تحولاتی است که با وجدان جامعه ما گره خورده است و به همین خاطر هم در حافظه تاریخی دانشجویان و دانشگاه و ملت ایران ماندگارند.

وی اضافه کرد: این که چند ماه بعد از کودتای آمریکایی-انگلیسی علیه دولت ملی مصدق، ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران آمد، درسطح جامعه و در واقع نزد افکار عمومی آن زمان چنین تلقی شده که این سفر برای دست‌مریزاد گفتن به عوامل کودتا و اعلام پیروزی آمریکا است. وجدان ملتی که به تازگی با دخالت آمریکا، دولت ملی خود را از دست داده و به جای آن یک دیکتاتوری وابسته به بیگانه شکل گرفته بود، معترض بود.

رئیس جمهور دوران اصلاحات گفت: این وجدان بیدار جامعه در دانشگاه تجلی پیدا کرد و دانشجویان در روز ۱۶ آذر ۳۲ اعتراض کردند و بابت این اعتراض خود هزینه زیادی هم دادند. به هر حال ۱۶ آذر در یک پیچ مهم تاریخی جامعه ما اتفاق افتاد که در فرایند مبارزات تاریخی ملت در نهایت به انقلاب اسلامی منجر شد.

وی با تأکید بر این که ماهیت ضد استبدادی و ضداستعماری انقلاب اسلامی انکارناپذیر است، گفت: دراین انقلاب قرار بود به جای استبداد وابسته به بیگانه یک نظام مردمی به نام جمهوری اسلامی مستقر شود. لذا این خواست در جامعه دینی و حتی بخش قابل توجهی از روشنفکران ما امید ایجاد کرد و البته دستاوردهایی هم داشت. اما آن‌چه که تحقق پیدا کرد غیر از آن چیزی بود که مردم انتظار داشتند و با کمال تأسف در نظام جمهوری اسلامی انحراف ایجاد شد و بجای جمهوریت، مسأله‌ای به نام ناجمهوریت شکل گرفت.

سید محمد خاتمی در سطح حاکمیت، تفاوت را این دانست که امروز حکومت، هویت خود را فقط در ستیز با آمریکا و غرب تعریف کرده است. وی افزود: حکمرانی ما امروز ویژگی ضداستکباری و ضداستعماری بودن را در رویارویی با آمریکا و غرب می‌بیند و در همین جهت اقداماتی هم کرده است و همین بهانه به دست کسانی داده که می‌گویند جمهوری اسلامی در منطقه چالش ایجاد می‌کند.

وی با بیان این که می‌توان ضداستکبار و ضداستعمار بود، اما هویت خود را در ستیز با غرب تعریف نکرد، افزود: اکنون هویت ملی ما به گونه‌ای شکل گرفته که حکمرانان ما نمی‌خواهند. اگر در آن دوره تاریخی که ۱۶ آذر رخ داد، مردم ما با آمریکا مخالف بودند و منشأ استبداد داخلی را آمریکا می‌دانستند، اما امروز در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که اگر نگوییم اکثریت مردم خواستار تنش‌زدایی در روابط با آمریکا هستند، لااقل می‌توان گفت که از سیاست‌های خارجی موجود و غرب‌ستیزی هزینه‌زای حکومت ناراضی هستند، همچنان که از سیاست‌های داخلی نیز ناراضی هستند

سید محمد خاتمی تأکید کرد: به خاطر این رویکرد در حوزه سیاست خارجی، حکومت از بزرگترین رسالت و رویکرد اصلی خود که جلب رضایت مردم باید باشد، بازمانده است؛ مردم هم از توسعه انسانی، علمی، اقتصادی و سیاسی در جامعه محروم شده اند. این وضعیت است که گسست‌ها و شکاف‌های میان ملت و حکومت و در نتیجه میزان نارضایتی و اعتراض را در گروه‌های مختلف جامعه از جمله دانشجویان و دانشگاهیان زیاد کرده است.

او در پایان افزود: متأسفانه امروز حرمت دانشگاه رعایت نمی‌شود و به علت غلبه نگاه امنیتی-نظامی، استقلال این نهاد و نقش دانشگاهیان در توسعه‌ی همه جانبه کشور خدشه‌دار شده است. این نوع رویکرد و سیاست‌گذاری امنیتی و این نحوه اداره دانشگاه نتیجه‌ای جز ایجاد و گسترش ناامیدی در میان دانشجویان و استادان و طبیعتا افزایش فرار مغزها ندارد. این وضعیت کشور را با مسایل متعدد دیگری روبرو می کند.

نمایندگان این بار ریسک نکردند

بودجه تورم‌زا زیر تیغ نقد

همدلی | آفاق فقیهی: مجلس کلیات لایحه بودجه سال آینده را رد کرد. در این جلسه، نمایندگان مخالف و موافق به ارائه نظراتشان درباره بودجه پرداختند. سپس کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ به رأی مجلس گذاشته شد و نمایندگان آن را با ۹۱ رأی موافق، ۱۲۷ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۵ نماینده حاضر در جلسه رد کردند. خبرگزاری دولت نوشت، «داوود منظور» رئیس سازمان برنامه و بودجه وعده تأمین ۵۰ همت برای حقوق بازنشستگان را داد، اما نمایندگان کلیات بودجه را رد کردند. این خبرگزاری همچنین از قول «احمد راستینه» عضو کمیسیون تلفیق چنین بیان کرد که نمایندگان در موضوع رد کلیات به خطا و اشتباه افتاده‌اند، چنانکه با تغییر آیین‌نامه مجلس در شیوه بررسی و ارائه لایحه بودجه نمایندگان ایراد وارده بر بخش‌های درآمدی بودجه و منابع مورد نیاز در بخش‌های مختلف دچار تصوری اشتباه شدند و انتظار داشتند مثل سال‌های گذشته ردیف‌های بودجه‌ای را با لحاظ منابع و مصارف مورد بررسی قرار دهند. راستینه در این باره این‌گونه اظهارنظر می‌کند که: «یکی از دغدغه‌هایی مخالفان کلیات لایحه بودجه تخصیص اعتبار به اجرای قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان بود که باید در این باره بگویم که رأی مثبت ما به کلیات لایحه بودجه در جلسه کمیسیون تلفیق مشروط به اجرای همین مسأله بود که نماینده دولت هم گفت که برای اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان ۵۰ همت اعتبار تخصیص خواهد یافت و در واقع به دغدغه ها در این بخش پاسخ داده شده است.»

دلایل رد کلیات

اما «رحیم زارع» سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۳ در این باره گفته: «دلیل مخالفت مجلس با کلیات لایحه، برخی نقاط ضعف بود که برای همکاران ما قابل قبول نبود از جمله آن که به رغم تصویب برنامه هفتم توسعه و تأکید اکید مجلس نسبت به همسان سازی حقوق بازنشستگان، دولت هیچ منابعی برای آن در لایحه ندیده بود.»این در حالی است که «حمیدرضا حاجی بابایی» رییس کمیسیون تلفیق نیز در صحن علنی مجلس به بحث متناسب‌سازی و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان اشاره کرده و گفته بود: «مجلس در این خصوص قول شرف گرفته است. اکنون نیز اعلام می‌کنم بودجه‌ای که همسان‌سازی و متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان در آن دیده نشده باشد از در این مجلس بیرون نمی‌رود.»«داوود منظور» رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز در این باره گفته است: «نگرانی اصلی درباره بازنشستگان بوده که از زمان تصویب برنامه هفتم توسعه موضوع همسان‌سازی مطرح شد. در جلسه کمیسیون تلفیق هم گفتیم که این موارد در بخش مصارف است و ما هنوز به بحث حقوق بازنشستگان، مستمری‌بگیران و مواردی چنین ورود نکرده‌ایم اما با توجه به این‌که اعضای تلفیق تاکید داشتند که باید سقف اعتبارات مورد نیاز برای همسان‌سازی در مراحل اول لحاظ شود ما گفتیم که ۵۰ همت را پیش‌بینی می کنیم.»

آشفتگی در تصمیم

با این حال به نظر می‌رسد نمایندگان در سال اول اجرای آیین‌نامه مجلس، پیشنهادی که مرکز پژوهش‌های مجلس قبلا ارائه داده بود، با آشفتگی در تصمیم رو به رو شده‌اند. این همان نکته‌ای است که «محمد قاسمی» درباره آن می‌گوید: «در بودجه سال ۱۴۰۳ اتفاقی که افتاد، برداشت بسیار سطحی از دو مرحله‌ای شدن بودجه است. بزرگترین اشتباه این است که گفتند بودجه همان چیزی است که تا به حال تقدیم مجلس می‌شد و حالا یک بخش را الان به نمایندگان بدهید و از اینجا به بعد را بعدا تقدیم کنید. بودجه در ۷ جدول به مجلس آمد. اگر بپرسید که مالیات با رشد ۵۰ درصدی در بودجه به مجلس آمده چه بخش از این مالیات‌ها را باید بخش خصوصی بدهد و چه میزان را نهادها و شرکت‌های دولتی بدهند؛ نمی‌دانیم. چون در بودجه این جداول وجود ندارد. اگر از من بپرسند تراز عملیاتی تراز عملیاتی منفی ۳۰۰ هزار میلیارد تومان است، یعنی کسری درآمدها نسبت به هزینه‌ها، ترکیب مخارج دولت چیست؟ نمی‌دانیم. اگر بپرسید کدام پایه‌های مالیاتی رشد کرده است. باید بگوییم نمی‌دانیم. با این همه نمی‌دانم‌هایی که وجود دارد چطور قرار است کلیات بودجه مورد تصویب قرار بگیرد. ممکن است که بگویند قرار است بعدا در طول بررسی بودجه این اعداد و جداول داده شود اما مجلس طبق آیین نامه داخلی فقط ۵ روز وقت دارد برای بررسی کلیات. در این ۵ روز چقدر اطلاعاتی که دولت می‌دهد قابل تحلیل است. اصلا حق مردم کجا رفته است؟ آیا فعال اقتصادی باید در کمیسیون تلفیق باشد که تا اطلاعات را بداند؟ بودجه عالی‌ترین سطح گفت و گوی دولت و پارلمان و مردم است. اما باید بگویم متاسفم از این عقب‌گرد عجیب که در آن حق مردم ضایع شده است.»

ریشه اختلافات کجاست؟

یکی از پیامدها این بود که تصور می‌شد که دست‌اندازی مجلس در بودجه مورد انتقاد دولت بوده است. آیا دولت می‌تواند بگوید تغییرات مجلس در ردیف‌ها می‌تواند در کار دولت و پیش‌بینی‌هایش خلل ایجاد کند؟ «محمد قاسمی» دراین باره می‌گوید:« ریشه این اتفاق برمی‌گردد به اصلاح ماده ۱۸۰ و ۱۸۲ آیین نامه داخلی مجلس در سال ۱۴۰۰. در آنجا گفته شده بودجه در دو بخش تصویب می‌شود. بخش اول کلیات است و دربخش دوم دولت جداول بودجه‌ای را می‌دهد که نمایندگان باید اصل موضوع را مورد نظر قراردهند. همه پیامدهای منفی از این بخش صادر می‌شود که نمایندگان دقیقا وارد ردیف‌ها می‌شوند و ممکن است هزاران پیشنهاد وارد شود که امکان جابجایی در ردیف‌ها وجود خواهد داشت. در این صورت نه تنها مجلس و دولت چیزی به دست نمی‌آورند بلکه پیامدهای منفی که بودجه قرار بود رفع کند در این وضعیت امکان تحقق می‌یابد.»این گفته‌های شاید همان نبود شفافیت در بودجه سال آینده است که طی چند هفته گذشته از سوی کارشناسان مورد تذکر و هشدار قرار گرفته بود. دیروز در جزیان رای‌گیری کلیات بودجه هم فصل مشترک همه نقدها این بود که نمایندگان دقیقا نمی‌دانند به چه پیشنهادهایی رای می‌دهند. نمایندگان دقیقا از دولت می خواهند تا جابجایی ردیف بودجه‌ها با اطلاع مجلس باشد در حالی که دولت در این لایحه درخواست جابجایی مجوزها را ارائه داده بود.

واهمه از مالیات‌ستانی‌های دولت در سال آینده

بعد از همسان‌سازی حقوق بازنشستگان ، مالیات‌ستانی‌های دولت و افزایش منابع درآمدی از این محل از جمله مواردی بود که نمایندگان را برای تصویب کلیات بودجه به تردید جدی انداخته بود. "منظور" اما در خصوص افزایش مالیات‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقشار مختلف جامعه در صحن علنی گفت: «قطعاً در نظام مالیاتی به دنبال دریافت مالیات از افراد کم درآمد و ضعیف نیستیم. در لایحه دولت پیشنهاد کردیم که آستانه معافیت را برای شاغلین تا ۱۲ میلیون تومان در ماه افزایش یابد. برای مالیات مشاغل امسال معافیت‌های محسوسی را در نظر گرفته‌ایم. وقتی که ۳۹ درصد تورم داریم، خود به خود مالیات بر ارزش افزوده به همان نسبت بالا می‌رود؛ وقتی گفته‌ایم که رشد مالیات ۵۰ درصد است، بخش بزرگی از این افزایش به طور خودکار اتفاق می‌افتد. مجلس قانون پایانه‌های فروشگاهی و اصلاحیه آن را تصویب کرده است و این قانون کمک می کند تا بتوانیم از کسانی که تا امروز فرار مالیاتی داشته‌اند، مالیات اخذ کنیم.»با این حال فضای نقد کارشناسان نسبت به مالیات‌ها در روزهای اخیر نمایندگان را هم در آستانه انتخابات نگران کرده است. آنها که مسئله حذف ارز ترجیحی و تورم ناشی از آن، عملی نشدن وعده مسکن ملی را در کارنامه خود دیده‌اند، ظاهرا در آستانه انتخابات اسفندماه بی‌گدار به آب نمی‌زنند و رویه محتاط‌تری در پیش گرفته‌اند.اینگونه بود که به رغم اظهارات منظور، نمایندگان اما همچنان در مورد افزایش مالیات و فشاری که بر معیشت مردم می گذارد، دغدغه های جدی ابراز کرده‌اند.

مالیات‌ستانی در شرایط تورمی

محمد قاسمی، که خود سابقه طولانی در مرکز پژوهش‌های مجلس دارد در بخشی از گفت و گوی خود با اکو ایران درباره نقد لایحه بودجه به همین موضوع اشاره می‌کند و معتقد است:«سهم مالیات‌ها در چند سال اخیر به دلیل کم شدن منابع ناپایدار نفتی به سوی درآمدهای مالیاتی رفته است. اگر بنا بر این باشد که دولت درآمدهایش را از جیب مردم تامین کند باید داده‌های بیشتری راجع بودجه و سیاست‌های مالی دولت به مردم داده شود یا داده های کمتری؟ این شیوه خلاف مصلحت است که در پیش گرفته‌اند. باید دولت جزئیات بیشتری در این باره به مردم توضیح می‌داد.» قاسمی در این باره می‌گوید: « با این سطح اطلاعاتی که وجود دارد هیچ کارشناسی قادر به تحلیل سیاست‌های مالیات‌ستانی دولت نیست. از دیدگاه کارشناس طبیعتا مهم‌ترین منبع مالی دولت باید مالیات باشد. این واقعیت هم وجود دارد که ساختار مالیاتی وجود دارد و دولت نمی‌تواند درآمدهای مالیاتی خود را به دلایل مختلف محقق کند. اما نکته کلیدی وجود دارد که در شرایط تورمی چگونه مالیات‌ستانی ممکن است؟ در کشورهای توسعه یافته هم زمانی که تورم از حدی بالا می‌رود قوانین مالیاتی خاصی حاکم است. هم در بنگاه‌ها و هم در مالیات‌ستانی از خانوار. در شرایط تورمی بنگاه هزینه و درآمد دارد و سود شناسایی می‌کند. در این شرایط بنگاه‌ها همزمان ذخره استهلاک را هم کنار می‌گذارد. اگر این ذخیره استهلاک بر مبنای قیمت اسمی یا دفتری درایی‌ها باشد، شما عملا از درایی بنگاه‌ها مالیات می‌گیرید و بنگاه‌ها روز به روز ضعیف‌تر می‌شوند. ذخیره استهلاک بنگاه با توجه به نرخ ارز وبا توجه به افزایش قیمت ماشین آلات داخلی عملا به هیچ وجه کفایت نخواهد کرد که حتی یک تعمیرات انجام دهد در حالیکه در حال تقسیم سود است. بنابراین مالیات‌ستانی به شیوه سابق تضعیف بنگاه‌ها در پی دارد. درباره خانورا هم همین طور است. زمانی که تورم بالای ۴۰ درصدی دارید و مالیات ستانی دارید یعنی فشار را به خانوارها منتقل می‌کنید تا بودجه را تراز شود. در حالیکه دولت باید فشار را بر بخش هزینه‌ای هم افزایش دهد و مخارج خود را کنترل کند. اگر دولت ابتدا وارد بخش‌های هزینه می‌شد شاید وارد افزایش مالیات برای بنگاه‌ها و خانوار نمی‌شد. »وی همچنین درباره کاهش درآمدهای نفتی در بودجه سال آینده می‌گوید: « در سال‌های گذشته سهم نفت در منابع درآمدی دولت کاهش یافته است که به دلیل کاهش توان تولید و کاهش توان صادرات بوده است. در این بخش باید بگوییم این موضوع خیلی عامدانه نبوده است. اما واقعا این اتفاق افتاده. اگر دولت بخواهد سیاست آگاهانه‌ای در پیش بگیرد باید بگوید از کجا می‌خواهم این سهم را جبران کنم. از طریق رشد اقتصادی و راه اندازی موتور تولید درآمد برای خانوار، بنگاه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی این موضوع امکان‌پذیر است. تولید است که دارد حقوق و دستمزد می‌دهد، مالیات دولت را می‌پردازد و کسورات صندوق‌های بازنشستگی را می‌تواند جبران کند. اما چیزی که در حال حاضر می‌بینیم تضعیف بنگاه‌ها ست. اگر قرار است در ۵ سال آتی وابستگی به نفت کاهش یابد باید همه سیاست‌های موجود در خدمت تقویت بنگاه‌ها باشد. اما شواهد نشان می‌دهد که این طور نیست. »این نکات شباهت زیادی با حرف‌های دیروز محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس دارد که بعد از رد کلیات لایحه پرابهام دولت، گفته بود: «با توجه به اینکه رأی گیری به اتمام رسیده به صراحت اعلام می کنم این لایحه کسری قابل توجهی دارد و در این بودجه که همراه با کسری است، پیش بینی حقوق بازنشستگان صورت نگرفته که آن هم به کسری اضافه می شود اگر بخواهیم این موضوع را منوط به محل اخذ مالیات بکنیم نیز اشکال بدتری به وجود می آورد.»

با این اوصاف به نظر می‌رسد دولت باید در ۷ روز آینده که مهلت قانونی برای تصحیح و اراده دوباره لایحه است فکر اساسی درباره منابع مورد نیاز حقوق بازنشستگان و شفاف‌سازی درباره مالیات‌ستانی‌ها داشته باشد. باید دید در این مهلت قانونی دولت موفق به ارائه همه موارد خواسته شده از سوی نمایندگان خواهد شد یا نه!

محمد مهاجری به نبویان پاسخ داد

راست و دروغ یک ادعا

همدلی | «محمد مهاجری» فعال سیاسی اصولگرا نوشت: مشکل آقای نبویان آن است که هنوز تحت ارشادات همان فردی است که دکتر باقری وقتی مسئولیت مذاکرات را به عهده گرفت او را همراه خود برد ولی دور اول به دور دوم نکشیده دیگر به مذاکرات راهش نداد. او از هتل خود در وین جزئیات مذاکره را تلفنی به نبویان می گفت تا در مجلس علیه دکتر باقری به کار ببرد و جلوی ادامه مذاکره را بگیرد.

محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا در کانال تلگرامی خود نوشت: آقای سید محمود نبویان در پاسخ به نوشته قبلی من نوشته است:«من عضو تشکیلات پایداری نیستم اگرچه آنها را قبول دارم. آقای مهاجری خوب است قبل از هر ادعایی، تشکیلات سیاسی کشور و اعضای آن را بشناسد.من در هیچ جا ننوشته‌ام که آقای عراقچی سانتریفوژ ندیده. در مصاحبه خودم گفتم در مجلس نهم و بعد از توافق ژنو در سوم آذر ۱۳۹۲ از آقای عراقچی پرسیدم شما که این‌همه تعهدات در مورد هسته‌ای و سانتریفوژ داده‌اید، تا الآن سانتریفوژ دیده‌اید؟ آقای عراقچی بیان داشت که تا این زمان هنوز ندیده‌ام.روشن است که آقای مهاجری هم هنوز کتاب من را نخوانده است و معلوم نیست این ادعای خلاف واقع را از کجا میگوید.سعی کنیم اندکی اخلاق را رعایت کنیم و دیگران را دروغگو نخوانیم.مناسب است در یک مکان عمومی افتخار دهید تا مناظره‌ای در مورد محتوای برجام داشته باشیم تا روشن شود چه کسی دروغ می‌گوید» .

مهاجری در ادمه آورده است: متاسفانه آقای نبویان حاضر نیست از دروغگویی دست بردارد و این بار دروغ خود را با عضویت نداشتن در جبهه پایداری ادامه داده. این درست است که جبهه پایداری آنقدر نکبت شده که کسی حاضر نیست انتساب خود را به آن بپذیرد اما در تاریخ ۱۲مهر ۱۳۹۱ خبرگزاری ایسنا(نزدیک به دولت وقت یعنی احمدی نژاد) آقای نبویان را از اعضای موسس و اصلی جبهه پایداری معرفی کرده(www.isna.ir/news/۹۱۰۷۱۲۰۸۴۶۵)

آقای نبویان گمان می کند تاریخ و جغرافیا دروغ را تغییر می‌دهد و به همین دلیل می‌گوید در کتابم ننوشتم و فلان موقع هم نگفتم. او بجای اینکه اعتراف به دروغ زشت خود کند، می نویسد فلان موقع وفلان جا نبود بلکه بهمان رمان و بهمان مکان آن حرف را گفتم.نه برای اطلاع آقای نبویان که گوش حق شنو ندارد بلکه برای مخاطبان عرض می کنم:

عباس عراقچی قبل از دولت روحانی (یعنی زمانی که آقای نبویان توی این وادی نبود)،در تیم مذاکره‌کننده دکتر لاریجانی و دکتر جلیلی عضویت داشت و به همراه آنها چند بار نطنز رفته بود. از جمله در جشن هسته‌ای ۲۰ فروردین ۸۶ در نطنز که احمدی نژاد در آن سخنرانی کرد، حضور داشت. با این وصف چه دلیلی دارد سال ۹۲ به نمایندگان مجلس علیه خودش دروغ بگوید و اظهار کند تا بحال سانتریفیوژ ندیده؟! آقای نبویان نمی‌توانست قصه را جور دیگری ببافد که اینقدر خنده دار نباشد؟ او آیا برای مخاطب خود،شعور قائل نیست و گمان دارد می توان سرش را شیره مالید؟

برفرض محال که عراقچی سانتریفیوژ ندیده. مگر برای مذاکره در خصوص سانتریفیوژ باید حتما آن را دید؟ مذاکرات سیاسی وظیفه دیپلمات‌هاست ولی از متخصصین فنی در کنار خود استفاده می‌کنند. در مذاکرات هسته‌ای هم متخصصین هسته‌ای از سازمان انرژی هسته‌ای حضور داشتند. مگر آقای جلیلی که مذاکره می کرد کارشناس هسته‌ای بود؟

اینکه آقای نبویان می‌گوید کینه برجام را ندارد خودش یک دروغ زشت دیگر است. او آن قدر کینه مذاکره کنندگان را داشت که در شب های ماه مبارک رمضان کتاب خاطرات شرمن یهودی آمریکایی را سر دست بلند کرد و جملات بریده بریده، ناقص و تحریف شده از آن سر هم کرد تا مثلا ثابت کند عراقچی به آمریکایی‌ها اعتماد کرده است، غافل از اینکه خودش به کلمه کلمه نوشته‌های یک یهودی آمریکایی اعتماد و استناد می‌کرد تا برادر مسلمان خود را بکوبد.

آقای نبویان پیشنهاد مناظره داده. شخصا سال قبل این پیشنهاد را به او دادم که قول بدهد دروغ نگوید و با هم مناظره کنیم که در برابر پیشنهادی سکوت کرد. اولا به جای مناظره با بنده توصیه می کنم با آقای دکتر باقری یا حتی خود آقای رئیسی مناظره کند که بیش از دو سال است در دولت فعلی به دنبال احیای همین برجامی هستند که آقای نبویان ۶جلد کتاب علیه آن نوشته. با این حال چون واقعا آقای نبویان را فردی کاملا متوهم می‌دانم عده‌ای از جوانان باسواد و متخصص در حوزه برجام را خدمت ایشان معرفی می کنم تا توهمات ایشان را در مناظره رفع کنند. اگر باز هم نیاز به مناظره بود با کمال میل آماده ام در یک برنامه زنده بعد از اینکه قول بدهد دروغ نگوید و ضمنا دو صفحه از متن انگلیسی برجام را از رو بدون غلط بخواند وارد مناظره شوم. و اگر خدای ناکرده دروغ گفت تعهد بدهد به ازای هر دروغ یک ماه حقوق چندده میلیونی خود را به مستمندان اختصاص دهد.مشکل آقای نبویان آن است که هنوز تحت ارشادات همان فردی است که دکتر باقری وقتی مسئولیت مذاکرات را به عهده گرفت او را همراه خود برد ولی دور اول به دور دوم نکشیده دیگر به مذاکرات راهش نداد. او از هتل خود در وین جزئیات مذاکره را تلفنی به نبویان می گفت تا در مجلس علیه دکتر باقری به کار ببرد و جلوی ادامه مذاکره را بگیرد.نوشته اند کتابشان را نخوانده ام. قبلا عرض کردم کتابشان شبیه کتاب فردی است که ادعا کرد ۶جلد کتاب در باره رام‌رفتن اسب نوشته. وقتی کتاب را باز کردند از ابتدا تا آخر نوشته بود: پیتکو پیتکو(صدای پای اسب)نویسنده وقتی تعجب حاضران را دیده بود گفته بود راه رفتن اسب را از ابتدا تا انتهای زندگی یک اسب مستندسازی کرده است.با این شرح چه توقع نازنینی دارد آقای نبویان که کتابش را بخوانم!

و سرانجام اینکه آقای نبویان مرا به رعایت اخلاق توصیه کرده است. فرمایش دیگری باشد قربان! من نه لباس پیامبر را پوشیده ام نه نماینده مجلسم، نه از بیت المال ارتزاق می کنم نه کتابم با بودجه بیت المال چاپ می شود. خداوکیلی بین ما دونفر چه کسی بیشتر نیازمند موعظه اخلاقی است. مگر من جز توصیه به "دروغ نگفتن در لباس مقدس روحانیت" حرف دیگری هم زده‌ام؟!

تحلیل

امدادگران سازمان ملل می‌گویند

غزه به اضافه جهنم

فیلیپ لازارینی، رئیس آژانس آوارگان فلسطینی سازمان ملل متحد که از غزه دیدن کرده گفته که غیرنظامیان در نوار غزه «جهنم روی زمین» را تجربه می‌کنند.

سازمان ملل می‌گوید؛ توزیع کمک در بسیاری از مناطق به دلیل شدت جنگ و محدودیت حرکت در مسیر جاده‌های اصلی تا حد زیادی متوقف شده است.

به گزارش بی‌بی‌سی، لازارینی در پستی در شبکه اجتماعی ایکس(X) نوشت: «تراژدی بی پایان غزه در حال عمیق‌تر شدن است. مردم همه جا هستند، در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، به همه چیز نیاز دارند. آنها ناامیدانه خواستار امنیت و پایان این جهنم روی زمین دعاهستند.»

او گفته این سازمان با «وضعیت غیرممکن» روبرو است.

شنبه گذشته هم یک مقام ارشد امدادرسانی سازمان ملل گفت: نیمی از جمعیت غزه گرسنه هستند و تنها بخشی از تجهیزات مورد نیاز توانسته وارد نوار غزه شود.

در این حال «ملانی وارد» مدیر کمک‌های پزشکی برای فلسطینیان، به بی‌بی‌سی نیوز گفت:«ما در بحبوحه بدترین فاجعه انسانی هستیم که ما که در غزه کار می‌کنیم تا حالا دیدیم.»

او می‌گوید؛ حتی زمانی که کمک‌ها به این منطقه می‌رسد «امکان ندارد که آن را بین مردم نیازمند توزیع کرد، زیرا بمباران‌های اسرائیل بسیار شدید است».

«نظم در غزه در حال فروپاشی است، این بسیار واضح است. انواع خدمات عمومی از دفاع شهری گرفته که آدم‌ها را از زیر آوار بیرون می‌آورد تا پلیس و بیمارستان و سیستم بهداشتی همه بر اثر این حملات در حال نابودی است.»

«صادقانه بگویم، کلمات در توصیف وضعیت وحشتناک روی زمین، از جمله برای کارکنان خودم، کاملا قاصر است.»

یورش به بیمارستان کمال عدوان

اشرف قدره، سخنگوی وزارت بهداشت غزه که تحت کنترل حماس است می‌گوید: «در ادامه درگیری‌ها در شمال غزه، ارتش اسرائیل به بیمارستان کمال عدوان حمله کرده است.»

به گفته قدره، نظامیان اسرائیلی مردان، از جمله کادر درمانی را در محوطه بیمارستان جمع کرده‌اند.این بیمارستان که از هفته گذشته تحت محاصره ارتش اسرائیل بود، آخرین مرکز بهداشتی «نیمه فعال» در شمال غزه است.

قدره در پستی در پیام‌رسان تلگرام تاکید کرد: «ما از سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌خواهیم که فورا برای نجات جان بیماران بستری در این بیمارستان اقدام کنند.»در همین حال دیروز دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوچا) اعلام کرد که دو زن بر اثر حمله به بخش زنان این بیمارستان کشته شدند.بر اساس آمار این سازمان در حال حاضر ۶۵ بیمار از جمله ۱۲ کودک در بخش مراقبت‌های ویژه و شش نوزاد در دستگاه نگهداری نوزادان (انکوباتور) بستری هستند.این سازمان می‌گوید نزدیک به سه هزار نفر بیجا شده در این بیمارستان گیر افتاده‌اند که در انتظار آب و غذا هستند.در این‌حال نماینده سازمان جهانی بهداشت در غزه گفته است که کمتر از یک سوم بیمارستان‌های غزه، آن هم به صورت نیمه فعال مهیای پذیرش بیماران هستند.«ریچارد پیپرکورن» در یک نشست خبری گفت: «در ۶۶ روز گذشته، از ۳۶ مرکز درمانی فعال در باریکه غزه تنها ۱۱ بیمارستان به صورت نیمه‌فعال می‌توانند به کار خود ادامه می‌دهند؛ یکی در شمال و ۱۰ بیمارستان در جنوب.»پیپرکورن با این هشدار که دیگر نباید هیچ مرکز بهداشتی و امکانات پزشکی از دست برود گفت: «امیدواریم که این اتفاق نیفتد.»پیشتر گزارش شده بود که نیروهای اسرائیل به بیمارستان کمال عدوان در شمال نوار غزه «یورش برده‌اند.»این بیمارستان که از هفته گذشته در محاصره ارتش اسرائیل قرار گرفت، آخرین مرکز بهداشتی «نیمه فعال» در شمال غزه بود.

حماس همچنان مقاومت می‌کند

گزارشگر بی‌بی‌سی نوشت: اینکه اسرائیل از پایان حماس صحبت می‌کند، بسیار خوشبینانه است و پیشرفت نیروهای اسرائیلی آنطور که می‌خواهند نبوده است. چون امکان این را نداریم که از داخل غزه گزارش تهیه کنیم راحت نیست که تحلیل دقیقی از شرایط ارائه دهیم.با این حال دیروز که تیم ما در حال رانندگی به سمت تل‌آویو بود، ترس و وحشت مردمی که شاهد پرتاب موشک از غزه به داخل خاک اسرائیل بودند، به وضوح قابل مشاهده بود. وقتی که آژیر خطر به صدا درآمد، سیستم دفاع موشکی «گنبد آهنین» اسرائیل فعال شد.خودروها به سرعت متوقف شدند و مردم از اتومبیل‌های خود بیرون پریدند و به سمت پناه‌گاه‌ها دویدند.چند برخورد و تصادف هم به دلیل هرج و مرج در خیابان‌ها گزارش شد.

در آن سوی مرز اما، جنگی تمام‌عیار بین ارتش اسرائیل و جنگجویان حماس در خان‌یونس و همچنین در شهر غزه در شمال در جریان است.اسرائیل هنوز آن مناطق را به کنترل خود در نیاورده است.در حالی که اسرائیل می‌گوید تا کنون نزدیک به «۷ هزار جنگجوی حماس» در این جنگ کشته شده‌اند، آنها همچنان از تونل‌های خود بیرون می‌آیند و سربازان اسرائیلی را هدف قرار می‌دهند.

پس ما چگونه می‌توانیم ارزیابی کنیم که آیا حماس شکست خورده است؟فرماندهان حماس همچنان در باریکه غزه هستند و بنابراین اسرائیل نمی‌تواند مدعی شود که رهبران ارشد حماس دستگیر یا کشته شده‌اند.

علاوه بر این، نام سه رهبر ارشد حماس همچنان در فهرست کشته‌شدگان و دستگیرشدگان نیست.با توجه به ترس و وحشتی که دیروز در میان مردم شاهد بودم و در حالی که حماس همچنان موشک به سمت اسرائیل پرتاب می‌کند، تصور اینکه این جنگ به زودی تمام شود، غیرواقع‌بینانه به نظر می‌رسد.